

کمونیست ۱۴

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

شماره ۱۴ - ۱۳ آذر ۱۳۸۳ - ۳ دسامبر ۲۰۰۴

www.hekmatist.com

سردبیر: کورش مدرسی

طرح رفرا ندنم نسخه "عراقیزه" کردن ایران است.

تنها راه ممانعت از پاشیدن زندگی مدنی قیام مردم علیه اسلام سیاسی است

کورش مدرسی

از مصاحبه با رادیو پرتو



kooroshi@ukonline.co.uk

بخشی از پلاتفرم جناح راست اپوزسیون ایران بوده است. این جناح سنتا تا بحال دور سلطنت طلبان جمع شده بود و امروز دارد چند قطب تازه تر پیدا میکند: بخش مهمی از دو خرداد، بویژه جریانات پیرون از حکومت، بعد از شکست دو خرداد به سمت جناح راست اپوزیسیون یعنی جناح سنتی سلطنت طلبان چرخیدند. و بخش دیگر به سردستگی خاتمی، از ترس مردم، بیشتر به سمت جمهوری اسلامی "سنتی" برگشتند. به هر حال جناحی که به دور اپوزیسیون راست ایران برگشت جریاناتی هستند که بخش عمده آنها امروز زیر لوای جمهوری خواهان متشکل شده اند. اینها مشروطه طلبان فعلا بدون سلطان هستند. و اینها هستند که پرچم قدیمی آقای پهلوی، که خود هم فراموشش کرده بود، یعنی شعار رفرا ندنم را برپا کرده اند.

این یک تعرض اپوزسیون راست است و حزب حکمتیست هم بمثابه نیروی هوشیار و در رأس چپ جامعه تلاش میکند آلترناتیو دیگری را در مقابل

مصطفی اسدیپور: بیانیه تازه منتشر شده ای مبنی بر خواست رفرا ندنم برای تغییر قانون اساسی جمهوری اسلامی، در فضای جرایانات سیاسی ایران انعکاس نسبتا قابل توجهی داشته است. چرا؟ دلایل حساسیت حزب حکمتیست به این بیانیه برای چه بود؟ این شعار و خواست قبلا پروپای بیشتری داشت. امضا کنندگان آن هم از چهره های شناخته شده دو خرداد هستند که در فضای سیاسی ایران بیشتر از هر چیز از شکست اش حرف زده میشود. چرا این عطف توجه از جانب شما؟

کورش مدرسی: صورت مساله ابهامی است که در نحوه رفتن جمهوری اسلامی در ایران وجود دارد. سنت ها و احزاب سیاسی هر کدام سعی میکنند راه حل خود را بعنوان راه حلی منطبق با منافع مردم جلوی جامعه بگذارند. بیانیه رفرا ندنم را باید در این متن فهمید.

این به یک معنی داستان دو خرداد نیست. دو خرداد شکست خورد، متعلق به گذشته است و احزاب آن تجزیه شدند. این پلاتفرمی است برای تغییر رژیم. در پلاتفرم رفرا ندنم رسما اعلام شده است که مینا تغییر جمهوری اسلامی به رژیمی است که در آن مذهب از حکومت جداسد. این با پلاتفرم دو خرداد کاملا متفاوت است. رفرا ندنم و یا همه پرسد

۱۶ آذر روز شعار زنده باد آزادی و برابری

میگویند بعد از دو خرداد مردم به جمهوری اسلامی رضایت داده اند. میگویند مردم تسلیم شده اند. میگویند مردم آزادی نمیخواهند، میگویند مردم برابر نمیخواهند. میگویند مردم قبل از اینکه انسان باشند مذهب دارند. مسلمان اند، یهودی اند، اهورائی و مسیحی هستند. میگویند مردم قبل از اینکه انسان باشند ملیت دارند، فارس، کرد، لر، عرب، ترک و بلوچ هستند. میگویند مردم آزادی را برای همه نمیخواهند برای قوم یا مذهب خود میخواهند. میگویند مردم برابر نمیخواهند، تنها میخواهند به زبان محلی حرف بزنند و پاسبان و سرکوبگرشان هم ملتشان باشد. همه دست اندر کارند تا این تصویر سیاه را به مردم و به دنیا بخورانند. میدانند آنچه که این جعل مسلم را میتواند ممکن کند خفقان و سرکوب جنایتکارترین جانیان یعنی جمهوری اسلامی است و آنچه که آنرا میتواند نقش بر آب کند اراده و قدرت ما مردم آزادیخواه در ایران است.

۱۶ آذر روز یاد آوری این واقعیت به همگان است که مردم آزادی بی قید و شرط میخواهند و آنرا برای همه مردم میخواهند. مردم برابری در برخورداری از نعمات زندگی را میخواهند و آنرا برای همه مردم میخواهند. مردم جمهوری اسلامی، چه "خوش خیم" و چه بدخیمش، چه با رفرا ندنم و چه بی رفرا ندنم را نمیخواهند. مردم قبل از اینکه فارس و کرد و لر و بلوچ و مسلمان و یهودی و بهائی باشند انسان اند. همه چیز را برای همه انسانها میخواهند. جنبش اعتراضی در ایران جنبش خلاصی فرهنگی، جنبش خلاصی از هر نوع انقیاد، جنبش رفاه و خوشبختی برای همه، جنبش باز گرداندن اختیار به انسان است. ۱۶ آذر اعلام این حکم است. مردم ۱۶ آذر چیزی را خواهند گفت که میخواهند. مردم آزادی میخواهند همین را میگویند، مردم برابری میخواهند همین را میگویند و مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند همین را میگویند: زنده باد آزادی و برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی!

روز ۱۶ آذر امسال را به روز به اهتزاز در آمدن پرچم آزادی، برابری، روز مرگ بر جمهوری اسلامی است. ۱۶ آذر روز اعلام "نه" بزرگ و همگانی به جمهوری اسلامی است.

زنده باد آزادی، برابری!

مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۰ آذر ۱۳۸۳ (۳۰ نوامبر ۲۰۰۴)

برنامه تظاهرات های حزب در خارج کشور به مناسبت ۱۶ آذر

پیام به پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق

ما ضمن ارج نهادن به این حضور مسئولانه شما در اوضاع کنونی جامعه عراق مصرانه از شما و پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق انتظار داریم که این جبهه و این سنگر دفاع از آزادی و انسانیت را هرچه بیشتر تقویت کرده، گسترش داده و تحکیم کنید. تبدیل حزب کمونیست کارگری عراق به بقیه در صفحه ۳

نیروی سیاسی دخالتگر امید را در قلبها شعله ور ساخته است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، عرض اندام مسئولانه و حضور حزب شما در صحنه مبارزه با سناریو سیاه را حضور جنبش کمونیسم کارگری و تقویت و قدر نمندی خود و یاری مستقیم به مردم ایران علیه جمهوری اسلامی میدانند.

رفقای عزیز!

پلنوم حزب کمونیست کارگری عراق را در شرایطی برگزار میکنید که همه دنیا و مردم عراق امید به عروج نیروی دارند که راه برون رفت از این سناریو سیاهی که بر مردم عراق تحمیل شده است را نشان دهد. فعالیتهای دور اخیر حزب کمونیست کارگری عراق و حضور ملموس و قابل مشاهده آن بعنوان یک

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مردم قرار دهد. حزب مادر می آن است که اجازه ندهد مردم جلب این توهم شوند. رفرا ندیم یک توهم است که مهمترین "خاصیتش" اضافه کردن به عمر جمهوری اسلامی است.

مصطفی اسد پور: انتقاد شما به این شعار چیست؟ میگویند بدون توسل به خشونت، خواهان بهبود در جمهوری اسلامی هستند و الان مشخصا هدف گیری قانون اساسی میتوانند نشانگر تغییرات مهمی در سیستم حکومتی باشد. شما چه انتقادی به این پرچم دارید؟

کوروش مدرسی: ببینید، مردم ایران میخواهند که جمهوری اسلامی نماند این پلاتفرم ظاهرا دارد راهی جلوی پامیگذازد که جمهوری اسلامی نماند. منتهی رفرا ندیم راهی است که به هیچ جا نمیرسد. رفرا ندیم در مورد مجلس موسسان بی معنی است. آنچه اینها میخواهند که جمهوری اسلامی را با رفرا ندیم از سر کار بردارند و چیز دیگری را جانشین آن کنند. معلوم نیست چند بار دیگر مردم باید امتحان کنند و ببینند که جمهوری اسلامی رژیم نیست که خود رفرا ندیم برکناری خود را برگزار کند. زمانی دوا خردادی ها به همین توهم دامن میزدند که میشود جمهوری اسلامی را با نصیحت به راه آورد و یا نوعی تغییراتی را در آن بوجود آورد یا حتی آنرا برکنار کرد.

این پلاتفرم منجر به این میشود که مردم از صحنه سیاست دور شوند. به این منجر میشود که رژیم به حیات خود ادامه دهد. و بر این واقعیت سایه میاندازد که جمهوری اسلامی را جز از طریق اعمال قدرت مردم نمیشود از سر راه برداشت و جمهوری اسلامی را باید سرنگون کرد.

این پلاتفرم مردمی را که تا اسامال با شعار آزادی، برابری، و مرگ بر جمهوری اسلامی اعتراض میکردند را در مقابل انتخاب دیگری قرار میدهد، و این توهم را ایجاد میکند که گویا باید سازمان ملل متحد با عده ای بیاید و رفرا ندومی بکنند و جمهوری اسلامی هم این اجازه را میدهد که خودش در این پروسه با رفرا ندوم بریفتند! این سناریو ممکن است از نظر عمق و درجه درک از سیاست و مکانیسم های تغییر نظام حکومتی در ایران کوهکانه به نظر برسد اما به لحاظ سیاسی این پرچمی است که اپوزیسیون راست ایران (سلطنت طلبان) و سابقا دوا خردادی های بیرون حکومت در آن

مشترک بودند. اساس این پرچم این بود که جمهوری اسلامی را جایجا یا تعویض کنند بدون اینکه مردم این تغییر را اعمال کرده باشند، جمهوری اسلامی را طوری جایجا کنند که مردم خیلی شلوغش نکنند و به صحنه نیایند که بعدا نشود آنها را به سادگی به خانه فرستاد. ومبادا مردم به زیر پرچم چپ این تغییر را تحمیل کنند. اینها در تمام این مدت راههایی را به مردم نشان داده اند که بی راهه است، و جز کمک کردن به ادامه حیات جمهوری اسلامی نتیجه ای ندارد.

مصطفی اسد پور: برای رفرا ندیم دو مطلوبیت اعلام میکنند: یکی عدم نیاز آن به خشونت است. میگویند اگر ندیمان روی جگر نگذاریم و به اندازه کافی سیاستمدار باشیم و از ابزارهای مختلف استفاده کنیم، میتوانیم به جایی برسیم. در این رابطه عراق راهم نشان میدهدند

کوروش مدرسی: خشونت ابزاری نیست که مردم عاشق آیدند و از همان روز اول به آن دست میبرند. خشونت چیزی است که دولت ها و بویژه رژیم جمهوری اسلامی بر مردم اعمال و به مردم تحمیل میکنند. کسی که مانع میشود مردم خشونت جمهوری اسلامی را با قدرت جواب بدهند و به آن خاتمه دهند دارد در عمل کمک میکند که عمر جمهوری اسلامی طولانی تر شود. امضا کنندگان این پلاتفرم ایران را درست به سمت سناریویی میبرند که در عراق اتفاق افتاده است. اگر قرار است جمهوری اسلامی زیر فشار آمریکا رفرا ندیم پیدا کرد معناش فشار نظامی آمریکا است، معنایش این است که ممکن است وضعیت به جنگ کشیده شود، و این است که جمهوری اسلامی هم عکس العمل نشان میدهدند. اولاً

امروز آمریکا چنین عضله ای ندارد که این فشار نظامی را به جمهوری اسلامی وارد کند. ثانیا اگر هم داشته باشد معنایش تحقق عراق دیگری در ایران و از هم پاشاندن زندگی مردم است. مادر دوره دو خرداد هم گفتیم جمهوری اسلامی قابل خوش خیم کردن نیست، به زبان خوش یا کسی کنار نمی آید. باید آنرا سرنگون کرد. جمهوری اسلامی سمبل جنا پتکارانه ترین انسان کشی ها و خشونت در تاریخ معاصر است و جز با زور مردم بر نمی آفتد. جمهوری اسلامی نمی به زور مردم تسلیم هیچ چیز نمیشود. و تنها با انقلابی که مردم علیه اسلام سیاسی به راه بیندازند

میشود اسلام سیاسی را در آن موقعیت سیاسی، روانی، اجتماعی لازم قرار داد تا مضمحل شود. هر کس هر اقدامی بکند فرآکتور انقلاب مردم علیه اسلام سیاسی را حذف کند باعث میشود که اسلام سیاسی بعنوان یکی از بازیگران صحنه در میدان باقی بماند، ممکن است اپوزیسیون شود، ممکن است به آدمهایش بمب ببندد و مردم را منفجر کند. ممکن است فردا بمب اتمی پیدا کند و شروع به استفاده از آن کند. ممکن است یک منطقه از ایران را بگیرد و حکومت خودش را اعلام کند و شروع به جنگ با بقیه بکند. تنها راهی که میتواند مانع تحقق سناریو سیاه شود، تنها چیزی که میتواند مانع پاشیدن زندگی مدنی در جامعه ایران شود قیام مردم علیه اسلام سیاسی است. مردمی که به کل بنیاد های ایدئولوژیک، فلسفه سیاسی، ارزشی، دولتی و اجتماعی اسلام سیاسی حمله میکنند هر نوع مشروعیت را از آن سلب میکنند و میتوانند بنیاد های مدنیت را در جامعه حفظ کنند. اسلام سیاسی فقط مقابل چنین تعرضی مضمحل میشود. قیام مردم علیه اسلام سیاسی زیر پرچم آزادی و برابری راه نجات جامعه ایران از ویرانی است. وگرنه با این نسخه های هانی که رفرا ندیم چی های ما مینویسند ممکن است از نظر خودشان وضعیت را آرام نگاه دارند ولی وقتی که بالاخره مطابق سناریو اینها شلوغ شود یک سناریو سیاه کامل در انتظار مردم ایران خواهد بود.

مصطفی اسد پور: شما به سیاست های امریکا اشاره کردید، حمله نظامی آمریکا به ایران از جانب بسیاری از طرفدارن رفرا ندیم دم میشود ولی برخی خواهان "دخالست" و فشارهای غرب هستند. این چیزی بود که دیروز جرج بوش هم مطرح کرد و گفت که عراق آزاد شده میتواند سمبلی برای اصلاح طلبان باشد. اینجا به نمونه اوکراین میبرسم. یک حکومت قدر با تظاهرات مسالمت آمیز مردم ضرب در حمایت دولت های غربی میتواند تغییر کند. مساله اوکراین در فضای سیاسی ایران بازتاب وسیعی داشته است و حتی جمهوری اسلامی به آن عکس العمل نشان داده است و بخشی از اپوزیسیون هم با علاقه آن را تعقیب میکند.

کوروش مدرسی: نمونه کشورهای اروپای شرقی بکلی با ایران فرق میکند. در اروپای شرقی با یک سیستم حکومتی سرنگون

شده و شکست خورده طرف هستند. این حکومت ها متعلق به یک جناح شکست خورده در سطح جهان، جناح بلوک شرق هستند و در مقابل یک جناح پیروز جهانی قرار گرفته اند. بخشی از حکومت برای ادامه حیانش احتیاج به غرب دارد و در نتیجه آسیب پذیر است. جمهوری اسلامی هیچکدام از این مشخصات را ندارد.

جمهوری اسلامی امروز در عراق به آمریکا فشار می آورد. ساده انگارانه است که اگر فکر کنید که آمریکا در این شرایط میتواند فشار زیادی به جمهوری اسلامی بیاورد. جمهوری اسلامی میتواند عراق را برای آمریکا غیر قابل حکومت کند. آمریکا هم این را میداند. در نتیجه اولاً مساله اوکراین بکلی از مساله ایران جداست. ثانیا کسانی که خواستار فشار غرب به آمریکا هستند ناچارند به این برسند که این فشار با باید نظامی باشد و یا اقتصادی، که طبیعا به سناریو عراقیزه کردن ایران میبرسد. کسانی که تادیروز در صف دو خرداد بودند امروز به این نتیجه رسیده اند که باید رفرا ندیم کرد. خیلی عجیب است. تادیروز داشتند با آقای خاتمی داشتند مردم را قانع میکردند که باید به اسلام وقت داد و خشونت بد است، و امروز همراه با اپوزیسیون راست نسخه عراقیزه کردن ایران را می پیچند! مهم نیست که همه امضا کنندگان بیانیه جقدر بر این واقعیت واقف هستند. واقعیت این است که این سناریو و این خط سیاسی جز سه روزی برای مردم چیزی بار نمی آورد. راهی را برای نجات از نکبت جمهوری اسلامی پیش روی مردم نمیگذارد. اگر این واقعیت که باید مردم جمهوری اسلامی بر بیندازند در راهی که برای سرنگونی جمهوری اسلامی که در مقابل مردم قرار داده میشود، مستتر نباشد، راه به جایی نمیرسد و منجر به ادامه حیات جمهوری اسلامی میشود و اگر هم به اصطلاح به "بهم خوردن" اوضاع بکشد، تبدیل به سناریو عراقیزه کردن ایران میشود.

مصطفی اسد پور: شما درجانی از بحران رهبری در جنبش سرنگونی صحبت کرده اید. در جای دیگر گفته اید که شعار فدالیسم یک پاتک اپوزیسیون راست علیه شعار آزادی و برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی است. از قضا رفرا ندیم هم اساسا در همان طیف محبوبیت پیدا کرده است. آیا رفرا ندیم همان

کارکرد شعار فدالیسم را دارد؟

کوروش مدرسی: اینها همه اجزاء مختلف یک بسته سیاسی هستند. یک بسته بندی سیاسی که مشخصه های معینی دارد. میخواهد جمهوری اسلامی را "نیم کلانج" برکنار کند. بدون اینکه سیستم به هم بخورد قدرت را از دست عناصر بالای جمهوری اسلامی بیرون بکشد و حکومت را خود بدست بگیرد. این حکومتی است قومی، نژادی که هنوز مذهب در آن نقش دارد، تمامیت ارضی، یعنی نگاه داشتن به زور همه در چارچوب هر نظامی که در تهران مستقر است، اهمیت دارد. این سنت سیاسی یا این بسته بندی سیاسی میخواهد تضمین کند که تغییر جمهوری اسلامی به شیوه و با مکانیسمی انجام بگیرد که مردم متحدی که آزادی میخواهند، برابری در حق برخورداری از نعمات زندگی را میخواهند، و از آن کوتاه نمی آیند، در صحنه نباشند. این تغییر از نظر اینها بدون خشونت و آرام است. این نسخه در ایران خریدار پیدا میکند چون دارند تبلیغ میکنند که آرامش میآورد و حقوق همه را تضمین میکند. مساله برای اینها البته همه احاد مردم، همه آدم ها، نیست. مساله شان همه "اقوام" است. میخواهند شغل پاسبانی و رئیس ژاندارمی و ادارات را به نسبت بین "بلند مرتبه های" هر قوم تقسیم کنند. به این میگویند حق همه! این یک بسته سیاسی است که میخواهد در جامعه تغییر مد نظر خود را انجام دهد. از یک طرف دیگر یک جریان چپ در جامعه هست که میخواهد جمهوری اسلامی سرنگون بشود. میخواهد سرنگونی جمهوری اسلامی با آزادی و برابری توام شود. میخواهد اعلام آزادی و برابری بعنوان پرچم سرنگونی جمهوری اسلامی برافراشته شود. چپی که میداند جمهوری اسلامی را نمیشود از کار برکنار کرد مگر اینکه مردم آن را بیندازند. بطورعینی مناسب ترین راه، راهی که منافع مردم است، سرنگونی جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب مردم است. این دو سنت، این دو راه یا این دو جریان چپ و راست در جامعه در مقابل هم ایستاده اند. یک طرف ما شعار آزادی، برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی را داریم و طرف دیگر یک روز با شعار رفرا ندیم می آید روز دیگر با شعار فدالیسم. هر روز جزئی از بسته سیاسی را در مقابل

موقعیتش در این رابطه تثبیت شده تر است. اما فکر میکنم دو فاکتور مهمتر هست که باید به آنها توجه کرد: اول اینکه درست است که کشمکش های درونی جمهوری اسلامی کم رنگ تر شده است اما بحران ذاتی آن بجای خود باقی است. ناتوانی جمهوری اسلامی در دادن یک مدل یا برجای اقتصادی به جامعه بجای خود باقی است و نارضایتی مردم هم بجای خود است. اما یک ابهام بزرگ هم در جامعه وجود دارد و آن اینست که بعد از دو خرداد چه؟ آیا چه تبدیل به پرچم نارضایتی مردم و پرچمدار "نه" مردم به جمهوری اسلامی میشود یا راست؟ این ابهام بلا تکلیفی ای را در جامعه بوجود آورده است. درست است که اوضاع ظاهرا شلوغ نیست اما این محصول یک بلا تکلیفی سیاسی و اجتماعی در جامعه ایران است. کسی به اصطلاح نمیداند که "چه میشود؟" این ابهام بیان دیگری از این واقعیت است که ما تحت عنوان بحران رهبری در جنبش سرنوشتی از آن نام برده ایم. در این وضع هیچ رژیم نمیتواند خود را خیلی طولانی نگاه دارد. در نتیجه فضا برای گرفتن جواب به این ابهام باز است. فضا باز است برای اینکه هرکس جلو بیاید و راهی جلو مردم بگذارد. و از آنجائیکه این سوال در ابعاد

اجتماعی در مقابل مردم است هرکس که جوابی به آن میدهد جلب توجه میکند و بازتاب پیدا میکند. بالاخره مردم شروع میکنند درباره آن حرف زدن. حتی کسی مانند "هخما" تلاش میکند مردم را جلب "راه حل" خود کند یا عده ای پیدا شده اند میگویند پول خردها (سکه ها) را جمع کنید تا رژیم سقوط کند و بعضی ها این کار را میکنند. این روش ها باز تاب پیدا میکند چون جامعه و جنبش سرنوشتی دچار بحران رهبری است. جامعه دچار بلا تکلیفی است. جامعه هنوز تصمیم خود را نگرفته است که به چه میچرخد یا به راست. دنبال راه و پرچم میگردد. این یک فاکتور مهم است فاکتور دوم این است که اتفاقاتی که بعد از منصور حکمت افتاد و اتفاقاتی که در حزب کمونیست کارگری ایران افتاد به شدت موضوع چه را در جامعه تضعیف و راست را تقویت کرد. این نتیجه ای بود که علیرغم تلاش زیاد نوانستیم رفقای رهبری کنونی حزب کمونیست کارگری ایران را متوجه آن کنیم. در نتیجه ما از یک طرف با یک فضای سیاسی و اجتماعی پر ابهام روبرو هستیم، جامعه ای که هنوز تصمیمش را نگرفته است و از طرف دیگر با افق و نیروی چپی که در جامعه تضعیف شده است. در

نتیجه هر ابتکار عمل راست "گل" میکند. و این وظیفه ماست است که جلوی این موج را بگیریم. مصطفی اسدپور: آیا میشود علی العموم مخالف رفرا اندم و رای دادن مردم بود؟ کورش مدرسی: مطابق تئوری نمی شود مخالف رفرا اندم بود. رفرا اندم راه م مثل هر پدیده دیگری باید در متن واقعیت سیاسی و اجتماعی و نقشه تغییر اوضاع قرار داد. در متنی که امروز روی میز است نقشه ای است که جمهوری اسلامی را ماندگار میکند، تبدیل میشود به دامن زدن به خشونت و حذف مردم از صحنه سیاست. به این دلیل باید مخالفتش بود. وگرنه خود ما گفته ایم که در کردستان رفرا اندم میکنیم در عراق همین حالا فشار می آوریم که در کردستان رفرا اندم کنند و مردم را تشویق میکنیم که جدا شوند. مساله رفرا اندم نیست. مساله این است که رفرا اندم برای چه و در چه متنی و بعنوان جزئی از چه نقشه ای مطرح میشود؟ نقشه ای که امروز جلو گذاشته میشود باز تاب چرخش بخش خارج حکومت دو خرداد به سمت اپوزیسیون راست است و راهی است که به هیچ جا نرسد جز بیچارگی مردم. نه جمهوری اسلامی را می اندازد و نه حقوق مردم را تضمین میکند و نه خشونت را کم میکند.

مصطفی اسدپور: سیاست شما در مقابله با این وضع چیست؟ کورش مدرسی: ما تلاش میکنیم یک حزب سیاسی توده ای بسازیم، چه جامعه را با تعرض به جمهوری اسلامی و راست جامعه دوباره به وسط میدان سیاست برگردانیم. راه حل هائی را جلو جامعه بگذاریم که انعکاس خواست آزاد یخواهانه و برابری طلبانه مردم باشد و مردم بتوانند اثر عملی کنند. راه حل هائی که موقعیت مردم را در دنیای واقعی در مقابل جمهوری اسلامی تقویت کند، مردم را متشکل کند، قدرتشان را زیاد کند، جمهوری اسلامی را عقب براند و راه را برای سرنوشتی این رژیم زیر پرچم آزادی و برابری هموار کند. ما حزبی خواهیم ساخت که بتواند در اولین فرصت ممکن جمهوری اسلامی را سرنگون کند و قدرت را بدست بگیرد. قدرتی که هر قید و بندی را در دخالت مردم در سیاست و در عقب زدن جمهوری اسلامی و کل بنیاد های ایدئولوژیک، فلسفی، سیاسی، سیستم ارزشی و اجتماعی و طبقاتی باز خواهد کرد. راهی که به سربلندی و شوه، با کمترین تلفات و در کوتاه ترین مدت جامعه را از این بزرخ نجات خواهد داد، و بیابنه حقوق جهانشمول انسان را بعنوان معنای کل قوانین جامعه اعلام خواهد کرد.

جامعه قرار میدهد که حاصلش این است که نقش فعال مردم را در سرنوشتی جمهوری اسلامی کم رنگ کند و یا شکافی در صف مردم بوجود آورد. ظاهرا "کم خشونتی" شعار بازاریابی برای فروش این بسته سیاسی است. در حالیکه به عکس است. راهی که اینها جلو مردم میگذارند بیشترین خشونت را به مردم تحمیل میکنند. هم مردم را از صحنه حذف میکنند، هم به عمر جمهوری اسلامی اضافه میکنند، و هم بیشترین خشونت را به جامعه تحمیل میکنند، چون راه اینها جز عراقیزه کردن ایران آخر و عاقبتی ندارد. مصطفی اسدپور: زمان طرح این پلانم رفرا اندم میتواند کمی تعجب برانگیز باشد. جمهوری اسلامی امروز با بحران سیاسی حاد و تشنجات سیاسی حادی روبرو نیست. اختلافات درونی فروکش کرده است، رابطه اش با غرب در مجموع بهتر شده است. آیا فاکتور دیگری هست که باید به آن توجه کرد تا این بالا رفتن پلانم رفرا اندم در میان این بخش از اپوزیسیون را توضیح دهد؟ کورش مدرسی: مشاهداتی که شما به آن اشاره میکنید هست. جمهوری اسلامی ظاهرا کشمکش های درونیش کمتر شده است، اهرمهای قدرتش در مقابل غرب بیشتر شده است و

بقیه از صفحه ۴

* بغداد

برگزاری آکسیون اعتراضی توده ای از جانب حککع و سازمان آزادی زن در قلب بغداد!

روز پنج شنبه ۱۸ نوامبر با فراخوان کمیته حزب کمونیست کارگری در بغداد و سازمان آزادی زن تجمعی توده ای در میدان الفردوس در قلب شهر بغداد بر علیه کشتار و قتل عام مردم بیدفاع شهر فلوجه بر گزار شد. در این گردهمایی رفیق فلاح علوان کادر حزب و رئیس اتحاد شورا و سندیکاهای کارگری و ینار

محمد رئیس سازمان آزادی زن خطاب به شرکت کنندگان در آکسیون سخنرانی کردند و ضمن محکوم نمودن اقدامات تروریستهای اسلام سیاسی کشتار مردم بیدفاع فلوجه از جانب امریکارا تقبیح و محکوم نمودند. قابل ذکر است که این آکسیون توجه زیادی را بخود جلب کرد که از جمله تعدادی از کانالهای رسانه های خبری و مطبوعاتی با ینار محمد و فلاح علوان به دیدار و گفتگو پرداختند. لندن غروب روز ۱۵ اکتبر کمیته بریتانیای حزب با همکاری و هماهنگی کمپینی بنام (نوو سویت) اقدام به برگزاری مراسمی کردند. این همایش در ابراز همبستگی با

کارگران عراق بر پا شده بود و حدود ۴۰۰ نفر در آن شرکت نمودند. دو تن از گردانندگان این همایش مارک توماس و سیمون مانری بودند که از چهره های سرشناس کمدی شو در انگلستان بحساب می آیند. این مراسم با شکوه در مرکز شهر لندن و در تالار کونوه ی بر گزار شد. قابل ذکر است که رفیق هوزان محمود در قسمت میانی برنامه راجع به وضعیت کارگران عراق و جنبش کارگری در این کشور سخنرانی نمود که با استقبال پر شور حاضرین مواجه شد. پاریس در روزهای ۳۰ و ۳۱ اکتبر هوزان محمود عضو کمیته

خارج کشور حزب کمونیست کارگری عراق بمنظور شرکت در چند سیمینار و تجمع سیاسی، دیداری از پاریس بعمل آورد. روز ۳۰ اکتبر هوزان محمود در کنفرانسی تحت عنوان "اسلام علیه اسلام" شرکت نمود که از جانب تشکلی تونسوی برگزار شده بود. هوزان محمود یکی از ۱۴ سخنرانی بود که بمشابه نماینده سازمان آزادی زن و با ارائه بحثی زیر عنوان اسلام سیاسی و حقوق زنان سخنرانی نمود. همچنین در روز ۳۱ اکتبر هوزان محمود در سیمینار گروه کمونیستهای انقلابی که یک تشکلی چپ فرانسوی است شرکت نمود. بخش دوم این سیمینار به بررسی وضعیت بریتانیا

اختصاص داشت که در آن هوزان محمود نظر و تحلیل حزب کمونیست کارگری عراق را در مورد وضعیت چپ در انگلستان و بویژه موضع حزب سوسیالیست کارگری در بریتانیا صحبت نمود و سیاستهای این حزب را در قبال مقاومت در عراق و نقش این حزب در ایجاد "حزب احترام" به همکاری اسلامیون در بریتانیا جهت شرکت در انتخابات را مورد انتقاد قرار داد. در روند تکامل این بحث ابهامات زیادی برای حاضرین روشن شده و خواهان برقراری رابطه منظم و مداومتری با حزب شده و نیز تمایل خود را جهت دستیابی به اخبار فعالیت های حزب برای رساندن به خوانندگان نشریات خود نشان دادند.

بقیه پیام از صفحه ۱ یک باز یگر مهم و غیر قابل حذف در صحنه سیاسی عراق و دخالت حزب شما در جریان مبارزه برای رفرا اندم و طرح استقلال کردستان عراق، امید ما را به تبدیل کمونیسم به یک آلترناتیو قابل انتخاب برای مردم بیشتر و بیشتر کرده است. ما را در این تلاش ارزنده در کنار خود بدانید. رفقا! مساله ای که در تاریخ وحدت و همبستگی حزب ما و حزب کمونیست کارگری عراق یک نقطه عطف مهم در دفاع از خط منصور حکمت را تثبیت

کرد، موضع و دخالت مسئولانه شما در جریان تعرض گرایش چپ فرقه ای به خط منصور حکمت در جریان اختلافات درونی حزب کمونیست کارگری ایران بود. این حرکت شما، با عرض اندام به موقع و موضع مسئولانه و روشن لایه وسیعی از کادراهای

حزب کمونیست کارگری و اکثریت قاطع رهبری حزب شما در دفاع از سنتهای منصور حکمت در تاریخ کمونیسم کارگری فراموش نشدنی است. این موضع و این جایگاه حزب کمونیست کارگری عراق را به سطح بسیار بالاتری ارتقا داد و احترام و محبوبیت

حزب شما، کادراها و کل تشکیلات حزب کمونیست کارگری عراق را در میان صفوف حزب حکمتیت و در میان جنبش آزاد یخواهانه مردم ایران بشدت بالا برده است. ما به این قدرت و نفوذ عظیم

گوشه هایی از فعالیتهای حزب کمونیست کارگری عراق

تهیه و تنظیم: علی عبدالی

امجد غفور، سامان کریم،
زمناکو عزیز، سمیر عادل،
کاژاو جمال، نادیه محمود،
آزاد احمد و رعد سلیم.

دفتر سیاسی در اولین
جلسه خود به اتفاق آرا
امجد غفور را بعنوان رئیس
دفتر سیاسی انتخاب کرد.

* بصره:

**اولین کنگره کارگری در
شهر بصره با موفقیت بر
گزار شد!**

روز جمعه ۲۶ نوامبر کنگره
وسیع نمایندگان کارگران
در شهر بصره با شرکت
بیش از ۲۰۰ نفر از
نمایندگان کارگری زیر شعار
(قدرت طبقه کارگر در
اتحاد و سازمانیافتگی
اوست) بر پا گردید.

کنگره ابتدا با ایراد
سخنرانی رفیق علی عباس
راجع به شرایط جنبش
کارگری در شهر بصره کار
خود را آغاز و سپس چند
مبحث مهم دیگر از جمله
در مورد نقش کارگران در
تعیین آینده سیاسی جامعه
عراق و نیز راجع به آزادی
کارگران در متشکل شدن،
از جانب فلاح علوان و نیز
بחיثی در مورد اتحاد طبقه
کارگر از طرف عبدالکریم
عبداساده عنوان شد.

قابل ذکر است که رفقا نادیه
محمود عضو دفتر سیاسی
حککح و یثار محمد رئیس
سازمان آزادی زن و قاسم
هادی دبیر اتحادیه بیکاران
هر کدام با ارائه بحث و
سخنرانی در این کنگره
شرکت نمودند که با
استقبال خرم حاضرین
مواجه شدند.

کنگره همچنین چند
قطعنامه را به تصویب
رساند. قطعنامه های
تصویب شده عبارت بودند
از: شرایط مبارزه کارگران و
موضع در مورد سیاست
اشغال و حکومت دستساز
حاکمان آن و روشن نمودن
نقش کارگران در تقابل
مدنی با سیاست اشغالگری.
این کنگره بعد از چند
ساعت کار فشرده و
موفقیت آمیز در میان شور
و شوق شرکت کنندگان به
کار خود پایان داد.

بقیه در صفحه ۳

* برگزاری موفقیت آمیز

**پلنوم پانزدهم کمیته
مرکزی**

پلنوم پانزدهم کمیته
مرکزی حزب کمونیست
کارگری عراق با شرکت
اکثریت اعضای کمیته
مرکزی و دهها نفر از
کادرهای حزب از شهرهای
بغداد، ناصریه، کربوک،
سلیمانیه، اربیل و رانیه و در
فضائی سرشار از شور و
شوق برگزار شد. بدعوت
پلنوم هیئتی رسمی از
جانب حزب کمونیست

کارگری ایران - حکمتیست
متشکل از فاتح شیخ،
رئیس دفتر سیاسی حزب و
عبدالله شریفی عضو کمیته
مرکزی در این پلنوم حضور
داشتند. قابل ذکر است که

رفیق فاتح در آغاز پلنوم با
ایراد یک سخنرانی به زبان
عربی موجب دلگرمی ویژه
ای در میان حاضرین گردید.

برگزاری این پلنوم علیرغم
شرایط ویژه و حساس فعلی
چه بلحاظ جنبش کمونیسم
کارگری و چه از منظر
جامعه عراق و منطقه و تند

بیجهای مهم و سرنوشت
ساز آن، بلحاظ کثرت
شرکت کنندگان و نیز شور
و شغف حاکم بر فضای
جلسات و تجمعات آن حائز
اهمیت خاص بود.

پلنوم بدنبال دو روز مباحث
فشرده و ارزنده در مورد
طرح و پیشنهادهای جدید
راجع به اوضاع و احوال
سیاسی عراق و کردستان و

نیز تصویب چند سند و
نقشه عمل معتبر از آن
میان طرح نهائی اصول
سا. ماندهی حزب و نیز چند
قطعنامه در ارتباط با جدائی
درون حزب کمونیست

کارگری ایران و سیاست
ضدیت این حزب با حککح،
کار خود را به پیش برد. در
خاتمه همچنین پلنوم با
انتخاب ریووار احمد به

اتفاق آرا به سمت لیدر
حزب و انتخاب ۱۴ نفر
بعنوان اعضای دفتر سیاسی
حزب با موفقیت به کار خود
پایان داد.

اعضای دفتر سیاسی
منتخب پلنوم پانزدهم
عبارتند از رفقا:

مؤد احمد، طاهر حسن،
ناسک احمد، فارس محمود،
خسرو سابه، شمال علی،

با شعار آزادی برابری مرگ بر جمهوری اسلامی در تظاهراتی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

و

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست در کشورهای اروپایی و کانادا شرکت کنید!

• **آلمان**، فرانکفورت شنبه ۴ دسامبر (۱۴ آذر) مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران

تلفن تماس ۰۱۷۴۹۱۳۸۶۵۴

• **انگلستان**، لندن شنبه ۴ دسامبر (۱۴ آذر) مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران ساعت

۳ تا ۱

تلفن تماس ۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۷

• **بلژیک**، بروکسل دوشنبه ۶ دسامبر (۱۶ آذر) مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران

ساعت ۳ تا ۱

تلفن تماس ۰۰۳۲۴۸۴۷۴۷۳۱۱

• **سوئد استکهلم** جمعه ۳ دسامبر (۱۳ آذر) مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران ساعت

۱ تا ۲ بعدازظهر

• **سوئد یوتوبوری** یکشنبه ۵ دسامبر (۱۵ آذر) مرکز شهر ساعت ۱ تا ۴ بعداز ظهر

تلفن تماس ۰۰۴۶۷۳۶۲۲۷۹۵۹

• **هلند** لاهه (دنهاخ) شنبه ۴ دسامبر (۱۴ آذر) مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران

ساعت ۲ تا ۴ بعدازظهر

تلفن تماس ۰۰۳۱۶۵۱۱۷۰۷۵۸

• **نروژ** اسلو شنبه ۴ دسامبر (۱۴ آذر) مرکز شهر مقابل پارلمان ساعت ۱۲ تا ۲

تلفن تماس ۰۰۴۷۹۲۰۶۲۵۴۱

• **کانادا** تورنتو شنبه ۴ دسامبر (۱۴ آذر) مرکز شهر ساعت ۱۲ تا ۲

تلفن تماس ۴۱۶۷۲۳۷۰۹۸

• **فنلاند** هلسینگی شنبه ۴ دسامبر (۱۴ آذر) مرکز شهر ساعت ۱ تا ۳

تلفن تماس ۰۵۰۳۵۷۳۳۵۶۴ (۳۵۸)

• تلفن تماس با دبیر تشکیلات خارج کشور سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

جمال کمانگر ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

• تلفن تماس با دبیر تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

نسان نودینیان ۰۰۴۹۱۷۳۸۷۲۵۱۸۵

بقیه پیام از صفحه ۳

منصور حکمت در جامعه
ایران و عراق و به وفاداری
حزب کمونیست کارگری
عراق به سنتهای منصور
حکمت عمیقاً به خود
میبالیم.

اینها نقطه قوت جنبش
واحدی هستند که در پیکره
دو حزب ما، در ایران و
عراق و در منطقه باور به

رهائی، امید به دستیابی به
یک جامعه آزاد و برابر و در
شان انسان را ممکن و قابل
دسترسی کرده است. کمیته

مرکزی حزب ما از جانب
همه اعضا و دوستداران
حزب کمونیست کارگری -
حکمتیست صمیمانه ترین

دوردها را به شما رهبری
حزب و بویژه لیدر حزب

رفیق ریووار احمد و دفتر
سیاسی تقدیم میکنیم.

برای پلنوم کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری
عراق بهترین آرزوها را
داریم.
از طرف کمیته مرکزی حزب
کمونیست کارگری ایران -
حکمتیست
کوروش مدرسی
۲۱ نوامبر ۲۰۰۴

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!